

نوع مقاله: پژوهشی

شان اخلاقی محیط‌زیست از نگاه اسلام و مسیحیت

ahmadi68mahdi@gmail.com

Akbar.hosseini37@yahoo.com

مهدی احمدی / دانش‌پژوه دکتری ادیان و عرفان مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

سیداکبر حسینی قلعه‌بهمن / دانشیار گروه ادیان مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۲۴ - پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۲۲

چکیده

ادیان ابراهیمی طبیعت را مسخر برای انسان می‌دانند. بدین‌روی، نسبت به بحران‌های زیست‌محیطی مورد اتهام قرار گرفته‌اند. این مقاله با روش تحلیلی - توصیفی کوشیده مسئله شان اخلاقی محیط‌زیست از نگاه اسلام و مسیحیت را با رویکرد تطبیقی بررسی کند. مسیحیت و اسلام قطعاً شان اخلاقی مستقلی برای محیط‌زیست قابل اثبات نیستند؛ اما محیط‌زیست از یک‌سو، به سبب داشتن مطلوبیت که یکی از عناصر ارزش اخلاقی است و از سوی دیگر، به سبب مسئولیت اخلاقی که هر دو دین بر عهده انسان‌ها قرار داده‌اند، تنها اثبات شان اخلاقی غیرمستقل برایش ممکن است. اما با مراجعه به متون مقدس اسلام و مسیحیت، درمی‌یابیم که اسلام در اثبات شان اخلاقی غیرمستقل برای محیط‌زیست جامع‌تر و دقیق‌تر عمل کرده است. نتیجه اینکه اتهام واردشده به این ادیان رد می‌شود و برتری اسلام در این زمینه ثابت می‌شود.

کلیدواژه‌ها: محیط‌زیست، شان اخلاقی، انسان‌محوری، مسئولیت اخلاقی، اسلام، مسیحیت.

یکی از متعلق‌های رفتارهای انسان محیط‌زیست و اجزای آن است که می‌توان ادعا کرد هرروزه به اشکال گوناگونی این ارتباطها و رفتارها و حتی بالاتر، تأثیر و تأثرها در محیط پیرامونی ما رخ می‌دهد و شاید در نگاهی سطحی، امری عادی به نظر بیاید و شاید تأثیری را که محیط‌زیست بر انسان‌ها می‌گذارد امری طبیعی و مرتبط با طبیعت موجودات یا غریزه موجودات زنده آن بدانیم، اما تأثیری که آدمیان بر محیط‌زیست می‌گذارند و برخورد و رفتار آدمی با محیط‌زیست نیز منبعث از نوع نگاه او به محیط‌زیست است.

جهان بینی و نوع نگاه اگر بیمار باشد، در نهایت رفتار صاحب این نگرش بیمار را نیز در جهت بیماری خویش جهت می‌دهد. جهان بینی بیمار رفتار بیمارگونه در پی خواهد داشت. حوزه محیط‌زیست نیز از این قاعده مستثنا نیست. رفتار نادرست انسان‌ها با محیط‌زیست ریشه در نوع نگرش یا به عبارتی جهان‌نگری آنها دارد (محقق داماد، ۱۳۹۳، ص ۴۸).

نوع نگرش انسان‌ها به هستی، محیط‌زیست و هدف از آفرینش آن در تنظیم رفتارهای او با محیط‌زیست شکل دهنده نوع رفتارهای آدمی است. بنابراین علت بروز بحران‌های زیست‌محیطی را باید در نوع رفتار انسان‌ها، و نوع رفتار آنها را در نوع نگرش ایشان به جهان جست‌وجو کرد.

در حقیقت، ناآشنایی انسان‌ها با وظایف اخلاقی خود در قبال محیط‌زیست که از جهان‌بینی آنان نشئت می‌گیرد، و پایبند نبودن ایشان، آنها را به این ورطه کشیده و باز شدن این گره - دست‌کم - در حوزه نظری در گرو مشخص شدن جایگاه و شأن اخلاقی محیط‌زیست است. مادام که نگاه انسان‌ها به محیط‌زیست اصلاح نگردد و درک صحیحی از جایگاه اخلاقی محیط‌زیست شکل نگیرد، این مشکل پابرجاست. بدین‌روی اندیشمندان حوزه اخلاق و اخلاق زیست‌محیطی به فعالیت‌های علمی در این زمینه دست‌زده‌اند.

در تکمیل این بیان می‌توان گفت: اینکه انسان با محیط‌زیست چه تعاملی باید داشته باشد در حوزه اخلاق مطرح می‌گردد؛ زیرا علم اخلاق متکفل تنظیم روابط انسان - در درجه اول - با خدا و سپس خود، دیگران و سایر موجودات است. از این‌رو، نحوه تعامل با آن، پیش از همه، در گرو در نظر گرفتن یا در نظر نگرفتن جایگاه و شأن اخلاقی برای محیط‌زیست و اجزای آن است.

پس به سبب آنکه نگاه اخلاقی به محیط‌زیست و شأن اخلاقی آن از جهان‌بینی نشئت می‌گیرد، در پس این پرده، لاجرم میان نگاه‌های مادی‌گرایانه و انسان‌گرایانه و نگاه‌ها و جهان‌بینی توحیدی چالشی در گرفته است.

بنابراین ضروری است از دریچه اخلاق ادیان الهی به این مسئله نگریسته شود. لیکن آنچه در میان برخی دانشمندان غربی رخ داده متهم ساختن ادیان آسمانی و الهی است. این دسته نگرش ادیان الهی درباره نقش محوری انسان و خلقت طبیعت برای انسان را نقطه اتکای رقم‌زنندگان بحران‌های زیست‌محیطی معرفی می‌کنند. برای تطهیر نگاه ادیان آسمانی از اینکه علت این بحران‌ها شناخته شود، ضروری است نگاه آنها را به طبیعت و

مسئولیت‌های اخلاقی انسان‌ها بررسی نماییم. این نوشتار نگرش اسلام و مسیحیت در این زمینه را بررسی می‌کند تا هرچه بیشتر نتایج زشت و مضر جهان‌بینی‌های مادی‌گرایانه و انسان‌گرایانه (اومانستی) که جز لذت‌گرایی و سودگرایی نیست، آشکار گردد.

در این میان به علت آنکه بیشتر جمعیت روی کره زمین را متدینان به اسلام و مسیحیت تشکیل می‌دهند، انگشت اتهام بیشتر به سوی این ادیان نشانه رفته است. پس باید به این نکته دست یابیم که آیا محیط‌زیست در نگاه اسلام و مسیحیت دارای شأن اخلاقی است یا خیر؟ و شأن اخلاقی محیط‌زیست در نگرش آنها چگونه تبیین و تحلیل می‌شود؟ به همین منظور با رویکردی تطبیقی، نگاه اسلام و مسیحیت را در پاسخ به این اتهام بررسی می‌کنیم تا نقاط قوت و ضعف هریک از این نگاه‌ها را به دست آوریم. از دیگر سو پاسخ این اتهام را نیز بیان می‌کنیم.

بنابراین، ابتدا مفاهیمی را که ضروری است تعریف، سپس وظیفه انسان‌ها را در برابر محیط‌زیست و انسان‌محوری دینی از نگاه اسلام و مسیحیت را بررسی می‌کنیم و در نهایت به صورت تطبیقی نتایج را تحلیل می‌نماییم.

تبیین مفاهیم کلیدی

الف. محیط‌زیست

«محیط‌زیست» متشکل از دو کلمه «محیط» و «زیست» است. «محیط» که ریشه عربی دارد، به معنای احاطه‌کننده است (معین، ۱۳۸۷؛ عمید، ۱۳۸۰، ذیل واژه «محیط») و «زیست» از ریشه زیستن و اسم مصدر، به معنای عمل زیستن، حیات، زندگانی، زندگی، عُمر، عمر کردن و زنده بودن است (معین، ۱۳۸۷؛ عمید، ۱۳۸۰؛ دهخدا، ۱۳۳۹، ذیل واژه «زیستن»). بنابراین معنای لغوی «محیط‌زیست» یعنی: احاطه‌کننده زندگانی و زیستن. پس به فضایی اشاره دارد که زندگی انسان‌ها در آن فضا شکل می‌گیرد و ادامه می‌یابد.

اما این تمام موضوع نیست، بلکه برای روشن‌تر شدن این موضوع باید به مؤلفه‌های دیگری نیز توجه کنیم. یکی از آنها واقعیاتی است که عملاً در این فضا می‌بینیم؛ موجودات جاننداری که در اطراف ما زندگی می‌کنند و در تعامل مستقیم یا غیرمستقیم با ما هستند. بنابراین محیط‌زیست را نباید صرفاً فضای زندگی انسان‌ها تلقی کرد. اینکه تصور کنیم تنها انسان‌ها در آن زندگی می‌کنند، غلط است، بلکه محیط‌زیست زمانی معنای واقعی می‌یابد که به زندگی و زیستن سایر موجودات، اعم از حیوانات، نباتات و جمادات نیز توجه کنیم. بنا بر آنچه بیان شد، مراد از «محیط‌زیست» طبیعت اطراف ما، شامل حیوانات، نباتات و جمادات است.

ب. ارزش اخلاقی

سؤالی که پیش می‌آید این است که افراد با چه ملاک‌هایی یک فعل را ناپسند و فاقد ارزش اخلاقی می‌دانند؟ و با چه ملاک‌هایی آن را ارزشمند، پسندیده و نیکو معرفی می‌کنند؟ در پاسخ به این سؤال با اصطلاحی به نام «ارزش

اخلاقی» مواجه می‌شویم. برای روشن‌تر شدن مفهوم این اصطلاح باید به عناصر تشکیل‌دهنده این اصطلاح توجه نماییم. در این زمینه نیز نظرات گوناگونی مطرح شده که ذکر همه آنها در این مقاله ممکن نیست (مطهری، ۱۳۷۴، ص ۱۳-۱۴ و ۳۸؛ معلمی، ۱۳۸۴، ص ۲۲-۲۴).

برخی معتقدند: با رجوع به یک اصل یا مجموعه‌ای از اصول می‌توان درباره درست یا نادرست بودن (ارزش اخلاقی داشتن) یک فعل حکم کرد. از جمله این اصول، می‌توان به ملاک قرار دادن نتایج یک فعل یا خوب و بد اخلاقی بودن یک فعل و یا ملاک قرار دادن نیت و انگیزه فاعل اشاره کرد (فرانکن، ۱۳۸۰، ص ۱۵۴).

اما برخی دیگر چهار عنصر «مطلوبیت و فایده‌بخشی»، «اختیار»، «مطلوبیت انسانی» و «انتخاب آگاهانه» را موجب ارزشمندی اخلاقی یک فعل معرفی نموده‌اند که ملاک‌هایی کامل و جامع به نظر می‌آیند (مصباح یزدی، ۱۳۹۳، ص ۱۳۷-۱۴۳).

فاعل اخلاقی ارزش خود را از فعلی که انجام می‌دهد کسب می‌کند؛ زیرا فعل اخلاقی از او صادر گردیده است. از این رو، زمانی که یک فعل واجد ملاک‌های مزبور ارزش اخلاقی می‌یابد فاعل آن نیز ارزش اخلاقی پیدا می‌کند؛ اما درباره متعلق فعل اخلاقی این‌گونه نیست. بدین‌روی، برای ارزش متعلق فعل اخلاقی باید به دنبال ملاک خاص آن باشیم. در حوزه افعال و فاعل‌های اخلاقی، لازم است هر چهار عنصر وجود داشته باشند.

اما درباره متعلقات فعل اخلاقی، ابتدا باید دقت نمود که گاهی متعلق فعل اخلاقی ما سایر انسان‌ها هستند که شأنی مساوی با فاعل اخلاقی دارند و به یقین، دارای شأن اخلاقی هستند. این گروه به سبب دارا بودن هر چهار عنصر، شأن اخلاقی مستقل دارند؛ اما گاهی متعلق فعل اخلاقی حیوانات، نباتات و جمادات هستند که شأنی پایین‌تر از فاعل اخلاقی دارند. در این صورت به نظر می‌رسد وجود مطلوبیت و فایده‌مندی برای ارزشمندی آنها کفایت می‌کند و ملاک قرار دادن سه عنصر «اختیار»، «مطلوبیت انسانی» و «انتخاب آگاهانه» برای این دسته از متعلقات فعل اخلاقی منطقی به نظر نمی‌رسد؛ زیرا آنها فاقد این سه عنصر هستند.

مراد از «متعلق فعل اخلاقی» در این نوشتار، سایر موجودات غیر از خود انسان است. پس با اثبات مطلوبیت و سودمندی محیط‌زیست، ارزشمندی آن و دارای جایگاه و شأن اخلاقی بودن آن قابل اثبات خواهد بود.

از سوی دیگر، با اثبات مسئولیت اخلاقی نسبت محیط‌زیست که در منابع دینی به آن اشاره شده است، شأن اخلاقی آن ثابت می‌گردد. اما به علت آنکه فاقد عناصر اختیار، مطلوبیت انسانی و انتخاب آگاهانه است، نمی‌توان شأن اخلاقی مستقلی برای آن در نظر گرفت.

ج. شأن اخلاقی

«شأن اخلاقی» اصطلاحی مرکب از دو کلمه «شأن» و «اخلاقی» است. «شأن» در لغت به معنای «کار، حال، امر بزرگ و امر مهم» (معین، ۱۳۸۷، ذیل واژه «شأن») و «کار، حال، امر بزرگ و مهم، قدر، مرتبه، شوکت» (عمید،

۱۳۸۰، ذیل واژه «شأن») است و «کلمه» اخلاقی که به همراه یاء نسبت آمده، واژه «شأن» را مقید به اخلاقی بودن می‌سازد. شاید با نگاه به معنای لغوی «شأن اخلاقی» بتوان آن را به معنای «قدر و مرتبه و اهمیت اخلاقی» دانست. پس با نگاه به معنای لغوی می‌توان «شأن اخلاقی» را این‌گونه تعریف کرد: ویژگی‌ای که به‌موجب آن هر چیزی اهمیت و ارزش اخلاقی می‌یابد.

اما در تعریف اصطلاحی می‌توان گفت: شأن اخلاقی جایگاهی است که متناسب با خود، برای فاعل‌های اخلاقی مسئولیت‌آفرینی می‌کند. بنابراین شأن اخلاقی هر چیزی متناسب با خودش، برای فاعل اخلاقی مسئولیت‌ساز است (پاکپور، ۱۳۹۱). بنابراین، «شأن اخلاقی محیط‌زیست» یعنی: جایگاه اخلاقی محیط‌زیست که به سبب دارا بودن ملاک‌های ارزشمندی، به صورت مستقل و یا غیرمستقل آن را کسب نموده و به سبب آن فاعل اخلاقی اخلاقاً نسبت به محیط‌زیست مسئولیت می‌یابد و موظف به انجام رفتارهایی می‌شود که اخلاقاً ارزشمند هستند.

برای روشن‌تر شدن موضوع این نوشتار، باید این مطلب را نیز یادآوری نماییم که یکی از موضوعاتی که در دانش اخلاق مطرح می‌گردد «مسئولیت اخلاقی» است که ممکن است در نگاه نخست با موضوع بحث حاضر یکسان انگاشته شود. اما مسئولیت اخلاقی ناظر به فاعل اخلاقی است و شأن اخلاقی ناظر به متعلق افعال اخلاقی. این دو - هرچند با یکدیگر در ارتباط هستند و با نگاه به فاعل اخلاقی (یعنی انسان) می‌توانیم او را اخلاقاً در برابر محیط‌زیست مسئول بدانیم - اما این به‌تنهایی برای اثبات شأن اخلاقی مستقل محیط‌زیست کافی نیست. در حقیقت ادله‌ای که انسان را در برابر محیط‌زیست مسئول معرفی می‌کند، لزوماً مثبت شأن اخلاقی مستقل محیط‌زیست نیست، اما می‌توان ادعا نمود که به صرف داشتن مسئولیت اخلاقی انسان درباره کسی یا چیزی می‌توان برای او شأن اخلاقی قائل شد.

بنا بر آنچه گذشت، «شأن اخلاقی» یعنی: اهلیت و جایگاه اخلاقی که محصول ارزش اخلاقی است. بنابراین هر چیزی که بتواند ملاک‌های ارزشمندی (یعنی مطلوبیت، اختیار، آگاهی یا توانایی انتخاب آگاهانه) را کسب نماید می‌تواند دارای جایگاه و شأن اخلاقی مستقل باشد و اگر - فی‌نفسه - دارای این ویژگی‌ها نباشد و یا تنها عنصر اول (مطلوبیت) را کسب کرده باشد، می‌تواند دارای شأن اخلاقی غیرمستقل باشد.

از سوی دیگر، مسئولیت‌آفرینی نیز نشانه دیگری بر دارا بودن شأن اخلاقی است که خود حکایت از مطلوبیت و سودمندی دارد. پس مسئولیت اخلاقی نسبت به محیط‌زیست نیز مطلق شأن اخلاقی و نه لزوماً شأن اخلاقی مستقل را ثابت می‌نماید.

وظیفه انسان‌ها در برابر محیط‌زیست از دیدگاه مسیحیت

کاری که ما درباره محیط‌زیست انجام می‌دهیم بستگی به افکار ما در باب ارتباط انسان و طبیعت دارد. علم بیشتر و فناوری بیشتر ما را از بحران زیست‌محیطی کنونی نجات نخواهد داد، مگر اینکه دین جدیدی پیدا

کنیم یا دین در قدیمی مان بازانديشی کنیم (وايت، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۸۶). بنابراین رفتار ما با محیط‌زیست - در حقیقت - متأثر از ملاک‌هایی است که در زمینه شأن اخلاقی برای محیط‌زیست در نظر می‌گیریم. ملاک شأن اخلاقی محیط‌زیست را هرچه بدانیم (احساس محوری، حیات محوری، نیکویی و زیبا بودن، خدانا بودن، تسبیح‌گوی خدا بودن و مانند آن) جز انسان محوری ژنتیکی - که تنها دارندگان ژن انسانی و انسان محوری مبتنی بر فاعلیت اخلاقی که دارندگان تعقل را ارزشمند معرفی می‌کردند - در یک نکته مشترک‌اند و آن وجود شأن اخلاقی برای محیط‌زیست است و این، خود می‌گوید: باید در استفاده و بهره‌کشی، فروتنانه عمل نمود و حفظ محیط‌زیست ضروری است. اما باید دقت کرد که این معیارها هیچ کدام مثبت شأن اخلاقی مستقل نیست (احمدی، ۱۳۹۹، ص ۶۲-۱۱۱).

یکی از نظراتی که در این زمینه مطرح شده و محل مناقشه است، «انسان محوری دینی» است:

انسان‌محوری دینی در مسیحیت

برخی از اندیشمندان دینی در پی ارائه تصویر درستی از «انسان محوری» برآمده‌اند. ایشان به‌راستی منکر انسان محوری در ادیان ابراهیمی نیستند، بلکه صورت جدیدی از انسان محوری ارائه می‌دهند که با صورت مشهور آن که آماج انتقادات فراوان قرار گرفته و ریشه برخوردهای نامناسب با محیط‌زیست تلقی شده، متفاوت است.

در میان مسیحیان، در مواجهه با کسانی که ریشه بحران‌های زیست‌محیطی را در انسان‌محوری کتاب مقدس معرفی کرده‌اند، مقالات و کتاب‌هایی به نگارش درآمدند. پاتریک دوپل از کسانی است که به ادعاها و اشکالات پاسخ داده و در نتیجه دیدگاه جدیدی در این زمینه ارائه کرده است. وی در مقاله «طرز تلقی مبتنی بر خلافت یهودی - مسیحی نسبت به طبیعت»، با استناد به فزایندهایی از کتاب مقدس می‌کوشد نوعی اخلاق خلافت را میراث دینی مسیحیت در باب محیط‌زیست معرفی کند که نتیجه آن فروتنی نسبت به طبیعت است (دوبل، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۱۱۳). هرچند وی نامی از «انسان‌محوری دینی» نیاورده است، اما تلاش وی در نهایت به چنین مفهومی منجر می‌شود.

ابتدا باید بدانیم که مالک زمین کیست؟ مطابق مزامیر ۲۴: ۱ «زمین و پُری آن از آن خداوند است». پس زمین و آنچه در آن است تحت مالکیت خداوند است. در فراز دیگری می‌خوانیم: «من جهان و انسان و حیوانات را که بر روی زمین‌اند به قوت عظیم و بازوی افراشته خود آفریدم و آن را به هر که در نظر من پسند آمد، بخشیدم» (ارمیا، ۲۷: ۵).

پس مالک خداوند است و جهان را به هر که بپسندد، می‌بخشد. با توجه به فراز مزبور و با ضمیمه کردن این فراز که «آسمان‌ها، آسمان‌های خداوند است و اما زمین را به بنی‌آدم عطا فرمود» (مزامیر، ۱۱۵: ۱۶) مشخص می‌شود:

اولاً، زمین برای یک نسل از انسان‌ها یا گروهی خاص نیست، بلکه برای همه انسان‌هاست. از سوی دیگر زمین خلق شده است تا پایدار بماند: «زمین را آفریده‌ای و پایدار می‌ماند» (مزامیر، ۱۱۹: ۹۰). بنابراین غرض از خلقت زمین انتفاع همه نسل‌های بشر در طول اعصار گوناگون، از گذشته تا آینده است.

ثانیاً، این عطیه اختیار و سرپرستی مطلق به انسان‌ها نمی‌بخشد. انبیا مدام به ما گوشزد می‌کنند که خدا هنوز همان پادشاه، حاکم و مالک است که زمین به او بازمی‌گردد (دوبل، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۱۲۴).

بنابراین کسانی که چنین عطیه‌ای دریافت می‌کنند و از آن منتفع می‌شوند، موظفاند منابع و ذخایر آن را حفظ کنند و آنها را به نسل‌های آینده نیز واگذار نمایند... هر نسلی همچون مقیم موقت یا زائر زندگی می‌کند. ما منابع و ذخایر و زمین را به منزله امانتی برای نسل‌های آینده در اختیار گرفته‌ایم... تلفیق تأکید بر مالکیت خدا، تأکید بر خلافت ما انسان‌ها و تأکید بر محدودیت‌های حیات با یکدیگر، مقتضی آن است که در معامله‌ای که با جهان داریم، طرز تلقی فروتنانه و محتاطانه‌ای داشته باشیم (همان، ص ۱۲۵). «و اما حلیمان، وارث زمین خواهند شد و از فراوانی سلامتی متلذذ خواهند گردید» (مزامیر، ۳۷: ۱۱).

اما عهد جدید از طریق بحث «خلافت»، وظیفه عمل‌گرایانه خطیری را آشکار می‌کند. انجیل متی ماجرای ارباب و غلامانی را مطرح نموده که غلامان در برابر مبلغ پولی که به امانت گرفتند واکنش‌های متفاوتی نشان دادند. دو تن از غلامان علاوه بر حفظ امانت، بر آن افزودند و دیگری تنها همان مبلغ را حفظ کرده بود. ارباب هم از دو غلام خویش که امانت‌داری را در حد عالی به‌جا آورده بودند تشکر کرد و غلام دیگر را توبیخ نمود. این تمثیل و تمثیل «ناظر و پیشکار» در انجیل لوقا (۱۲: ۴۸-۴۶) چگونگی عملکرد جانشین و وظیفه او در حراست از چیزی را که به امانت به او سپرده شده است، به تصویر می‌کشد.

از همین جا استفاده می‌شود: حال که زمین به انسان‌هایی که جانشین خدا و حاکم از سوی او بر سایر موجودات هستند به امانت بخشیده شده، باید در حراست از آن کوشا باشند (دوبل، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۱۲۷). علاوه بر این، از انسان‌ها توقع بیشتری می‌رود؛ زیرا به ایشان امانات فراوانی داده شده است. بدین‌روی توقع بیشتری نیز از آنان خواهند داشت: «به هر کسی که عطا زیاده شود از وی مطالبه زیاده‌تر گردد، و نزد هر که امانت بیشتر نهند از او بازخواست زیاده‌تر خواهند کرد» (لوقا، ۱۲: ۴۸).

پس انسان‌محوری دینی مطابق آیین مسیحیت، از آمیخته شدن دو طریق یا دو مطلب «خلافت الهی» و «امانت بودن محیط‌زیست برای نسل‌های آینده» ثابت می‌شود. در این نوع انسان‌محوری، ملاک و معیار خاصی برای شأن اخلاقی معرفی نمی‌شود، بلکه دارا بودن شأن اخلاقی یک موجود از طریق مسئولیت اخلاقی دیگران نسبت به او ثابت می‌گردد. به عبارت دیگر، هرگاه موجودات نسبت به موجودی دارای مسئولیت اخلاقی باشند، می‌توان نتیجه گرفت آن موجود دارای شأن اخلاقی غیرمستقل است.

بررسی و نقد: تنها مطلبی که می‌توان از مسئولیت اخلاقی ثابت شده از این دو طریق (خلافت و امانت‌داری)

نتیجه گرفت، وجود مطلق شأن اخلاقی است، نه لزوماً شأن اخلاقی مستقل؛ زیرا اگر ما انسان‌ها تحت عنوان «امانت» یا خلیفه‌اللهی در قبال محیط‌زیست مسئولیت داریم، تنها به خاطر حفظ محیط‌زیست برای نسل‌های بعدی و برای استفاده نسل خودمان است. بهره‌مندی از زمین برای انسان‌ها منوط به باقی ماندن و عدم تباهی زمین و طبیعت و محیط‌زیست است. پس باز هم شأن اخلاقی مستقلی برای محیط‌زیست ثابت نمی‌شود.

نکته دیگر فرازهایی از کتاب مقدس است که گویای ارزشمندی انسان و اختصاص شأن اخلاقی به اوست (پیدایش، ۱: ۲۶-۳۰ و ۹: ۷-۲؛ متی ۷: ۱۹؛ آگوستین و رساله پولس به کولسیان، ۳: ۲-۵). این فرازها و فرازهایی نظیر آن که در عهد عتیق مشاهده می‌شود، گواه آشکاری بر نگاه انسان‌محورانه در کتاب دینی یهودیان و مسیحیان است؛ زیرا انسان شبیه خدا خلق شده و خداوند تسلط و فرمانروایی بر سایر موجودات را حق آدمیان دانسته و این حق را به وی اعطا کرده است. مطابق نظر اندیشمندان مسیحی، نظیر پولس، آگوستین، آکوئیناس، ترتولیان و قدیس ایرینائوس لیونی، همین نگاه انسان‌محورانه از کتاب مقدس برداشت می‌شود؛ چنان‌که ایشان این نگاه را کاملاً پذیرفته‌اند (دژاردن، ۱۳۹۶، ص ۲۳۲ و ۲۳۳؛ سینگر، ۱۳۸۶؛ وایت، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۸۰). مطالبی که گذشت دوگانگی موجود میان اندیشمندان مسیحی را به نمایش می‌گذارد که نشأت گرفته از کتاب مقدس است. برای توضیح بیشتر این مطلب، به کتاب مقدس مراجعه می‌کنیم:

کتاب مقدس

در کتاب مقدس دو نوع برخورد با حیوانات صورت گرفته است (عادلی مقدم، ۱۳۹۷، ج ۱، ص ۴۷۳):
اول. فرازهایی که در آنها به شأن اخلاقی و حقوق حیوانات توجه شده و یا شأن اخلاقی و حقوق آنها رعایت گردیده و یا به رعایت حال آنها سفارش شده است.

دوم. فرازهایی که در آنها شأن اخلاقی و حقوق حیوانات رعایت نشده و برخوردهایی خشن و ظلم‌آمیز با حیوانات صورت گرفته و یا به آن دستور داده شده است.

از برخورد نوع اول نمی‌توان به لزوم برخورد اینچینی با نباتات و جمادات دست یافت؛ اما از برخورد نوع دوم می‌توان این‌گونه برداشت کرد که وقتی چنین برخورد ستمکارانه‌ای با حیوانات مجاز است، پس به طریق اولی^۱ درباره نباتات و اجسام نیز چنین رفتاری مجاز، قابل تصور و قابل انجام است.

اما فرازهای مرتبط با رفتار و برخورد اول:

در «امثال سلیمان» برخی از حیوانات را حکیم می‌داند و می‌گوید: چهار چیز است که در زمین بسیار کوچک است، لیکن بسیار حکیم است. سپس شروع به شمردن این حیوانات می‌کند: مورچه‌ها طایفه بی‌قوت‌اند، لیکن خوراک خود را در تابستان ذخیره می‌کنند... و در ادامه می‌گوید: سه چیز است که خوش‌خرام است، بلکه چهار حیوان هستند که خوش‌قدم هستند. سپس اسامی آنها را برمی‌شمرد: شیر که در میان حیوانات از همه تواناتر است و از هیچ‌کدام روی‌گردان نیست... (امثال سلیمان، ۳۰: ۲۴-۳۱).

این فرازا نگاه لطیفی را نسبت به حیوانات به نمایش می‌گذارد و از همین جا می‌توان به نحوه رفتار با حیوانات نیز دست یافت که باید همراه با مراعات و انصاف باشد.

کتاب مقدس درباره نحوه رفتار با گاو و گوسفند سخن گفته و برخورد مناسب با آنها را خواسته است. برای مثال، در فرازی می‌گوید: «دهن گاو را هنگامی که خرمن را خرد می‌کند، مبنده» (تثنیه، ۴:۲۵). یا در فرازی می‌خوانیم: «اما گاو یا گوسفند، آن را با بچه‌اش در یک روز ذبح ننمایید» (لاویان، ۲۲: ۲۸). در فراز دیگری می‌گوید: «گاو و الاغ را با هم جفت کرده، شیار منما» (تثنیه، ۲۲: ۱۰). آشکار است که در کنار هم قرار دادن این دو حیوان به سبب تفاوت در جثه و سرعت حرکت، می‌تواند نوعی آزار رساندن به آن دو باشد. درباره شکار می‌گوید: «اگر اتفاقاً آشیانه مرغی در راه به نظر تو آید، خواه بر درخت یا بر زمین، و در آن بچه‌ها یا تخم‌ها باشد و مادر بر بچه‌ها یا تخم‌ها نشسته، مادر را با بچه‌ها مگیر» (تثنیه، ۲۲: ۶).

یا در توصیف انسان عادل می‌گوید او به فکر جان حیوان خویش است، برخلاف انسان ستمکار: «مرد عادل برای جان حیوان خود تفکر می‌کند، اما رحمت‌های شیرین ستم‌کیشی است» (امثال سلیمان، ۱۲: ۱۰). نمونه‌هایی از این دست در کتاب مقدس زیاد نیست و عمدتاً در عهد عتیق است، نه در عهد جدید، و این خللی به استاد ما وارد نمی‌کند؛ زیرا مسیحیان به هر دو کتاب اعتقاد دارند.

اما برخورد نوع دوم که به موجب آن شأن اخلاقی و حقوق حیوانات رعایت نمی‌شود، در کتاب مقدس از نظر کمی از برخورد نوع اول بیشتر است. به برخی از آنها اشاره می‌نماییم:

در فرازی از سفر «پیدایش» می‌خوانیم که خداوند انتقام خون انسان را از حیوان می‌گیرد: «و هرآینه انتقام خون شما را برای جان شما خواهم گرفت. از دست هر حیوان آن را خواهم گرفت» (پیدایش، ۹: ۵). در فرازی دیگر، گاوی را به جرم شاخ زدن به سنگسار محکوم می‌کند: «هرگاه گاوی به شاخ خود مردی یا زنی را بزند که او بمیرد... اگر گاو قبل از آن شاخ‌زن بوده است و صاحبش آگاه بوده و آن را نگاه نداشت و او مردی یا زنی را کشت، گاو را سنگسار کنند و صاحبش را نیز به قتل رسانند» (خروج، ۲۱: ۲۸-۳۰).

در متی، ۷: ۱۹ به بریدن و سوزاندن درختی که میوه خوب ندهد دستور داده شده است: «هر درختی که میوه نیکو نیاورد، بریده و در آتش افکنده شود». یا در فراز دیگری این‌گونه آمده است: «و در کناره راه یک درخت انجیر دیده، نزد آن آمد و جز برگ بر آن هیچ نیافت. پس آن را گفت: از این به بعد، میوه تا به ابد بر تو نشود! که در ساعت درخت انجیر خشکید» (متی، ۲۱: ۱۹).

همچنین در مرقس، ۵: ۱۳ می‌خوانیم: «فوراً عیسی ایشان [دیوان] را اجازت داد. پس آن ارواح خبیث بیرون شده، به گرازان داخل گشتند و آن گله از بلندی به دریا جست و قریب به دو هزار بودند که در آب خفه شدند». در این فراز نیز با درخواست حضرت عیسی ﷺ ارواح خبیث و دیوان به بدن گرازها منتقل و آنها کشته شدند. نتیجه‌گیری: با توجه به تبیینی که از انسان‌محوری دینی مطرح گردید و با توجه فرازهایی که از کتاب مقدس ذکر

شد، می‌توان به این نتیجه دست یافت که به‌یقین، محیط‌زیست و اجزای آن از نظر مسیحیت دارای شأن اخلاقی مستقل نیست و نسبت به شأن اخلاقی غیرمستقل آن نیز با یک نگاه دوگانه مواجهیم که مطابق یک نگاه، محیط‌زیست شأن اخلاقی دارد و مطابق نگاه دیگر، محیط‌زیست و اجزای آن (حیوانات، نباتات و جمادات) فاقد شأن اخلاقی هستند. پس در این زمینه با ابهام و عدم شفافیت مواجهیم. اما در عین حال، نمی‌توان به صورت قطعی ادعا نمود که مسیحیت معتقد به شأن اخلاقی محیط‌زیست و اجزای آن نیست.

وظیفه انسان‌ها در برابر محیط‌زیست از دیدگاه اسلام

دین مبین اسلام در زمینه شأن اخلاقی و حقوق محیط‌زیست و اجزای آن، حرف‌های زیادی برای گفتن دارد، به حدی که نمی‌توان به همه آیات و روایات و آراء در این نوشتار پرداخت. معیارهای متفاوتی نیز می‌توان از میان آیات و روایات به‌دست آورد؛ نظیر تسبیح‌گویی موجودات، حیات، شعورمندی، پیوستگی با مبدأ، اختیار، سجده‌گزاری برای خداوند، و هدایتگری طبیعت. هرچند این معیارها شأن اخلاقی مستقلی برای محیط‌زیست و اجزای آن اثبات نمی‌کنند، اما همگی گویای شأن اخلاقی آنها هستند (احمدی، ۱۳۹۹، ص ۱۱۴-۱۵۴). یکی از نظرزاتی که برای اثبات شأن اخلاقی در فضای اسلامی مطرح می‌شود، «انسان‌محوری دینی» است.

انسان‌محوری دینی در اسلام

در این نگاه، سه عنصر اساسی به چشم می‌آید که از کنار هم قرار گرفتن آنها می‌توان به این نتیجه رسید که آدمی در برابر محیط‌زیست مسئولیت اخلاقی دارد و وظیفه‌ای فراتر از تأمین نیازهای خود از محیط‌زیست دارد: ۱. مقام خلیفه‌اللهی انسان؛ ۲. امانت‌دار بودن انسان؛ ۳. تلازم میان حق و تکلیف.

قرآن کریم در معرفی انسان می‌فرماید: «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (بقره: ۳۰)؛ و آنگاه که پروردگارت به فرشتگان گفت: من در زمین جانشینی می‌گمارم.

اما باید به این نکته نیز توجه نمود که هر انسانی نمی‌تواند به مقام خلیفه‌اللهی برسد، مگر انسان کاملی که دارای علم جامع است؛ نظیر انبیا و امامان معصوم علیهم‌السلام (فتحعلی، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۱۸۲). اما این مسیر نیز بسته نیست؛ یعنی سایر انسان‌ها نیز می‌توانند با انتخاب‌های درست و استفاده صحیح از قدرت اختیار، در این مسیر گام بردارند و - دست‌کم - به مراتبی از جامعیت دست یابند.

اما ویژگی‌های منحصربه‌فردی برای انسان در نظر گرفته شده است: کرامت ذاتی: «وَ لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسراء: ۷۰) (و به‌راستی، ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم)؛ همچنین قدرت تعقل، اراده، انتخاب و اختیار و استعداد کمال‌یابی بی‌نهایت و مانند آن. اما این ویژگی‌ها و مقام خلافة‌اللهی مانند هر مقام و مرتبه، مسئولیت‌هایی در پی دارد، به‌ویژه برای انسان که امانت‌داری را نیز بر عهده گرفته است: «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَ حَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا» (احزاب: ۷۲)؛ ما امانت [اللهی و بار

تکلیف] را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه کردیم و آنها [تکویناً] از پذیرفتن آن سرباز زدند و از آن هراسیدند، ولی انسان آن را بر دوش گرفت. به‌راستی او ستمگری نادان است.

امانت مطرح‌شده در این آیه هرگونه تفسیر شود، بی‌ربطه با انتخاب، اختیار و تکلیف نیست. این همان مسئولیت آدمی در برابر خدای بزرگ است (فتحعلی، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۱۸۳). بنابراین انسان باید پاسخگوی رفتارها، اعمال و کردار و گفتار خود باشد و به حال خود رها نشده و در قبال مقامی که خداوند به او ارزانی داشته، باید پاسخگو باشد.

از جهت اول، مطابق قرآن کریم هر آنچه در زمین است برای انسان‌ها خلق شده و به انسان تمکن در زمین بخشیده شده است: «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا» (بقره: ۲۹)؛ اوست کسی که آنچه در زمین است، همه را برای شما آفرید. «وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ» (اعراف: ۱۰؛ حجر: ۲۰)؛ و به‌راستی شما را در زمین مکنت دادیم و برای شما در آن انواع معیشت‌ها نهادیم.

از جهت دوم، مطابق قاعده «تلازم بین حق و تکلیف» انسان به همان میزان که دارای حق تصرف در طبیعت است، به همان میزان نیز در قبال محیط‌زیست مکلف است و مسئولیت اخلاقی دارد.

از جهت سوم، مطابق تلازم مسئولیت اخلاقی و شأن اخلاقی، محیط‌زیست و طبیعت دارای شأن اخلاقی هستند.

برخی از محققان این نظریه را در مقابل انسان‌محوری منسوب به دین مطرح نموده‌اند و هدف از آن را زدودن ابهامات از انسان‌محوری و ارائه تصویری اسلامی از انسان‌محوری دانسته‌اند که در آن هرچند انسان اشرف موجودات و - درواقع - محور کائنات است، این مرتبه و شأن والا، نه فقط از مسئولیت اخلاقی او در قبال موجودات دیگر و به‌ویژه حیوانات نمی‌کاهد، بلکه وی بیش از موجودات دیگر، مسئول نظم و انتظام طبیعی خلقت و در نتیجه، جلوگیری از بحران زیست‌محیطی است (جوادی، ۱۳۸۷).

نکته‌ای که باید بدان توجه داشت تلازم بین مسئولیت اخلاقی و شأن اخلاقی است، با این توضیح که هنگام مشخص شدن مسئولیت اخلاقی ما در قبال موجودات دیگر از سوی دین مبین اسلام، به یقین آن فعل نسبت به آن موجودات دارای حسن ذاتی است و آن موجودات دارای شأن اخلاقی خواهند بود. پس با توجه به دستورات و توصیه‌های آیات و روایات، مسئولیت‌هایی بر عهده انسان نسبت به محیط‌زیست در نظر گرفته شده که گویای شأن اخلاقی آن است.

نقد و بررسی: باید یادآوری نماییم که اثبات مسئولیت اخلاقی برای انسان‌ها، شأن اخلاقی مستقلی برای متعلق‌های افعال اخلاقی انسان ثابت نمی‌کند و تنها مثبت مطلق شأن اخلاقی است. بنابراین شأن اخلاقی مستقل از این طریق نیز برای سایر موجودات قابل اثبات نیست؛ زیرا از چهار عنصری که برای شأن اخلاقی مستقل در ابتدای این نوشتار بیان شد، سه عنصر را ندارند. برای فهم کامل وظایف و مسئولیت خود نسبت به محیط‌زیست به آیات و روایات مراجعه می‌نماییم:

قرآن کریم

موضوع کلی آیات در مواجهه با محیط‌زیست را می‌توان در دسته‌بندی زیر نشان داد. البته باید توجه داشت که برخی از آیات مطلق و عام هستند و اختصاصی به رفتار با زمین، طبیعت و محیط‌زیست ندارند. نکته دیگر اینکه همه آیات را نمی‌توانیم بررسی کنیم.

الف. آیات قرآن گویای اهمیت محیط‌زیست و اجزای آن و چگونگی شکل‌گیری و رشد آنهاست و آنها را نشانه‌ای برای مؤمنان، اهل تفکر و یقین می‌داند (انعام: ۹۹؛ نحل: ۱۱ و ۶۷ و ۶۹؛ جاثیه: ۴). از سوی دیگر، دقت در نام‌گذاری سور قرآن کریم نیز می‌تواند شاهدهی بر این اهمیت باشد؛ نام‌هایی مانند بقره (گاو)، انعام (چهارپایان)، نحل (زنبور عسل)، نمل (مورچه)، عنکبوت، ذاریات (بادهای ذره افشان)، نجم (ستاره)، شمس (خورشید) و حدید (آهن). سوگندهایی که در قرآن کریم یاد می‌شود نیز شاهد دیگری بر این اهمیت است: «وَ التَّيْنِ وَ الزَّيْتُونِ» (زیتون: ۱)؛ سوگند به انجیر و زیتون. بیانات اینچنینی از اهمیت محیط‌زیست، خود گویای مطلوبیت و سودمندی آن است.

ب. آیه‌ای که به بروز فساد توسط انسان‌ها اشاره دارد (روم: ۴۱).

ج. آیه‌ای که اشاره به محبوب نبودن فساد نزد خدای متعال دارد (بقره: ۲۰۵).

د. آیه‌ای که به صورت مطلق از فساد نهی می‌کند (اعراف: ۵۶).

هـ. آیه‌ای که اسراف را مذموم می‌شمرد (اعراف: ۳۱؛ انعام: ۱۴۱).

و. آیه‌ای که در کنار نهی از فساد، به احسان امر می‌کند (قصص: ۷۷).

ز. آیه‌ای که به استفاده از نعمات طبیعی و سلوک طریق بندگی خداوند ترغیب می‌نماید و نقش این نعمات و تلاش برای سلوک را بیان می‌کند (نحل: ۶۹).

ح. آیه‌ای که به مسئولیت انسان در زمینه محیط‌زیست و عمران زمین اشاره دارد (هود: ۶۱).

از این میان به چند نمونه اشاره می‌کنیم:

اول. مخالفت با فساد

هرچند بدیهی است که خدای متعال با هرگونه فسادی مخالف باشد، اما قرآن کریم به صراحت به این مطلب اشاره فرموده است: «وَ إِذَا تَوَلَّى سَعَىٰ فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَ يُهْلِكَ الْحَرثَ وَ النَّسْلَ وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ» (بقره: ۲۰۵)؛ و چون بازگردد [یا به مقامی رسد] بکوشد تا در زمین فساد کند و کشت و نسل را تباه نماید و خدا فساد را دوست ندارد.

شأن نزول این آیه درباره شخصی به نام/خنس بن شریق ثقفی است که نزد پیامبر ﷺ شرفیاب شد و اظهار اسلام کرد و گفت که می‌خواهد مسلمان شود و در این خواسته خود صادق است، درحالی‌که پیامبر ﷺ می‌دانستند او منافق است. اما در ظاهر وی را پذیرفتند. او پس از بازگشت از پیش پیامبر، به زراعت و چهارپایان مسلمانان برخورد

و آنها را به آتش کشید (واحدی نیشابوری، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۶۶). مراد از نابودی «حرث و نسل» مشخص است؛ نسل شامل حیوانات و حرث شامل نباتات می‌گردد که نابودی هر دو مذموم شمرده شده است.

دوم. نهی از فساد

با توجه به آیاتی که انسان را به صورت مطلق از فساد نهی کرده‌اند، می‌توان خطاب به انسان این‌گونه نوشت: درست است که تو شأن اخلاقی مستقلی داری، اما حق نداری با برتری جویی در زمین فساد کنی. این فساد کردن به صورت مطلق آمده است و بدین‌روی، شامل هرگونه افسادی می‌شود. در آیه شریفه سرای آخرت و زندگی اخروی را نیز به فساد نکردن و برتری نجویدن گره زده است. در این آیه نیز برتری جویی و فساد به صورت مطلق آمده و منحصر در برتری جویی بر سایر انسان‌ها نیست، بلکه مطلق برتری جویی مذموم شمرده شده است. همچنین فساد منحصر در فساد شخصی یا فساد جامعه انسانی را به تباهی می‌کشد نیست، بلکه هرگونه فساد، حتی فساد در طبیعت و نابود کردن سایر موجودات را شامل می‌شود: «تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (قصص: ۸۳)؛ آن سرای آخرت است که برای کسانی قرار می‌دهیم که در زمین خواستار برتری جویی و فساد نیستند و عاقبت [خوش] از آن پرهیزگاران است.

در آیه شریفه دیگری به صراحت آدمی را از فساد کردن بر روی زمین نهی می‌کند: «وَلَا تَفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ حَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ» (اعراف: ۵۶)؛ و در زمین از پس اصلاح آن فساد نکنید و او را با بیم و امید بخوانید که رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است.

سوم. آباد ساختن زمین

در میان آیات قرآن کریم، به مسئولیت انسان در زمینه محیط‌زیست نیز اشاره شده است. در حقیقت به جنبه دیگری از نسبت انسان با محیط‌زیست اشاره شده؛ به این معنا که انسان نباید صرفاً در پی لذت بردن از طبیعت لذت و مصرف‌کننده باشد، بلکه باید نسبت به آباد نمودن زمین نیز اقدام کند. در سوره مبارکه «هود» می‌خوانیم: «قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تَوْبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ» (هود: ۶۱)؛ گفت: ای قوم من، خدا را بپرستید که برای شما هیچ معبودی جز او نیست! اوست که شما را از زمین پدید آورد و شما را به عمران آن واداشت. پس، از او آموزش بخواهید، آنگاه به درگاه او توبه کنید که پروردگار من نزدیک و اجابت‌کننده است.

روایات اسلامی

دامنه روایات در این زمینه گسترده است و روایات فراوانی داریم که می‌توان از آنها حقوق و شأن اخلاقی موجودات را به‌وضوح اثبات نمود. اگر نامی از حقوق می‌آوریم به این معنا نیست که موضوع را فراموش کرده‌ایم

یا موضوع تغییر کرده، بلکه تنها به این علت است که این روایات مثبت حقوق طبیعت و اجزای آن، به ویژه حیوانات نیز هستند. این موضوع به قدری اهمیت دارد که یکی از کتاب‌های کتاب شریف *اصول کافی* عنوان «کتاب الدواجن» دارد که خود مشتمل بر باب‌های متعددی است. کتاب‌های دیگری نظیر *وسائل الشیعه*، *مستدرک وسائل الشیعه* و *کنز العمال* نیز روایات فراوانی را در این باب در خود جای داده‌اند.

روایات در این زمینه به سه دسته تقسیم می‌شوند: روایاتی که مربوط به حیوانات هستند؛ روایاتی که به نحوه ارتباط با گیاهان می‌پردازند؛ روایاتی که به طرز رفتار با زمین و آب و مانند آن اشاره دارند.

یک. حیوانات

در یک روایت حیوانات این‌گونه توصیف شده‌اند:

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: «مَهْمَا أَنَبَهُمْ عَلَى الْبَهَائِمِ مِنْ شَيْءٍ فَلْيَأْبَهُمْ عَلَيْهَا أَرْبَعَةَ خِصَالٍ: مَعْرِفَةٌ أَنْ لَهَا خَالِقًا وَمَعْرِفَةٌ طَلَبُ الرِّزْقِ وَمَعْرِفَةُ الذَّكْرِ مِنَ الْأُنْثَى وَمَخَافَةُ الْمَوْتِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۵۳۹)؛ هرچه برای بهایم مبهم باشد، چهار چیز برای آنها مبهم نیست: اول اینکه خالق دارند. دوم اینکه از او طلب رزق کنند. سوم شناخت جنسیت؛ و چهارم ترس از مرگ.

این توصیف از شأن اخلاقی حیوان حکایت دارد، اما - همان‌گونه که پیش‌تر ذکر شد - نه شأن اخلاقی مستقل؛ زیرا معرفت و درک حیوان با انسان حقیقتاً متفاوت است.

پیش از دسته‌بندی احادیث باب حیوانات، به آداب ذبح اشاره می‌نماییم (عادلی مقدم، ۱۳۹۷، ج ۱، ص ۴۷۵).

دو. آداب ذبح

روایاتی که در باب ذبح حیوانات وارد شده مبتنی بر این اصل است که باید از رنج کشیدن حیوان پرهیز شود. ذبح باید به گونه‌ای انجام گیرد که تا حد ممکن از سختی و رنج آن کاسته شود. براساس همین روایات، فقهای شیعه برای ذبح آداب خاصی قائل شده‌اند که شامل مستحبات و مکروهات است (موسوی خمینی، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۱۵۶، ۱۶۰ و ۱۶۱).

اما روایاتی که در این‌باره آمده بسیار جالب و گویای شأن اخلاقی حیوانات است. در روایتی از رسول خدا ﷺ به احسان و ذبح نیکو سفارش شده‌ایم:

«وَرَوَى شَدَّادُ بْنُ أَوْسٍ أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ كَتَبَ عَلَيْكُمْ الْإِحْسَانَ فِي كُلِّ شَيْءٍ، فَإِذَا قَتَلْتُمْ فَأَخْسِنُوا الْقِتْلَةَ، وَإِذَا ذَبَحْتُمْ فَأَخْسِنُوا الذَّبْحَ، وَ لِيَجِدَ أَحَدُكُمْ شَفْرَتَهُ وَ لِيُرِحَ ذَبِيحَتَهُ» (مجلسی، ۱۳۹۲، ج ۶۲، ص ۳۱۶)؛ خدای متعال بر شما احسان را در هر چیز واجب نموده است. پس هنگام ذبح، نیکو ذبح نمایید و باید هرکدام چاقوی خود را تیز کند و ذبیحه را راحت نماید.

در روایت دیگری می‌بینیم که از ذبح در شب نهی فرموده‌اند؛ زیرا شب را خداوند برای سکونت قرار داده و حیوان نیز در شب در حال آرامش و سکونت است. بنابراین، ذبح در شب پسندیده نیست. از این دلیل می‌توان این‌گونه برداشت

نمود که این روایت اختصاصی به ذبح ندارد، بلکه در باب شکار نیز این‌گونه است و باید اخلاقاً از شکار حیوانات در شب پرهیز کرد (حرعاملی، ۱۳۸۹، ج ۱۶، ص ۱۸۶؛ فاضل هندی، ۱۲۷۱ق، ج ۹، ص ۲۷۶).

در روایت دیگری از ذبح حیوان توسط کسی که آن را پرورش داده نهی شده و این به سبب وابستگی بین حیوان و صاحبش است؛ چنان‌که گویا حیوان انتظار چنین کاری از پرورش‌دهنده‌اش ندارد. به‌واقع، چنین دقت‌هایی با حفظ تعادل و بدون افراط و تفریط در کدام دین و مذهب دیده می‌شود؟! (حرعاملی، ۱۳۸۹، ج ۱۶، ص ۲۱۳)

در روایات دیگری از ذبح حیوان در مقابل چشمان حیوان دیگر نهی شده است. این حد از مراعات در رفتار با حیوانات برای کل انسان‌ها درس‌آموز است و نشان‌دهنده شأن اخلاقی حیوانات است (کلینی، ۴۰۷ق، ج ۶، ص ۲۳۰).

سه. حقوق حیوانات در حفظ و نگهداری

در باب چگونگی حفظ و نگهداری حیوانات نیز روایاتی وارد شده که در نتیجه آن، تأمین غذا، مکان، بهداشت و درمان آنها را لازم دانسته است. برای نمونه به یک حدیث اشاره می‌کنیم (عادلی مقدم، ۱۳۹۷، ج ۱، ص ۴۹۰):

امیرمؤمنان علی علیه السلام در آخرین شب حیات مادی خود، هنگامی که در منزل دخترشان/م‌کلثوم میهمان بودند، نسبت به غذای مرغابی‌ها سفارش کردند و فرمودند:

«يَا بَنِيَّ، بِحَقِّي عَلَيْكَ إِلَّا مَا أَطَّقْتِيهِ فَقَدْ حَبَسْتُ مَا لَيْسَ لِي لِسَانٌ وَلَا يَفْقَرُ عَلَى الْكَلَامِ إِذَا جَاعَ أَوْ عَطِشَ، فَأَطْعِمِيهِ وَ اسْقِيهِ وَ إِلَّا خَلَى سَبِيلَهُ يَأْكُلُ مِنْ حَشَائِشِ الْأَرْضِ» (محدث نوری، ۱۳۶۸، ج ۸، ص ۳۰۶)؛ دخترم! به حقی که بر تو دارم، موجودی را حبس نموده‌ای که زبان ندارد و هنگام گرسنگی و عطش قادر بر تکلم نیست. پس او را سیر کن و سیراب نما، وگرنه رهایش کن تا از گیاهان زمین تغذیه کند.

چهار. حقوق امنیت جسمی و روانی حیوانات

مطابق روایات، لازم است امنیت جسمی و روانی حیوانات مراعات گردد. بدین‌روی باید از درگیر کردن دو حیوان، توهین و لعن به حیوان و بهره‌کشی بیش از توان او و بدون استراحت و ملاحظه نکردن رابطه عاطفی او با فرزندانش پرهیز کرد. به همه این موضوعات در روایات توصیه شده است. در این زمینه نیز به چند روایت اشاره می‌کنیم:

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که حیوان بر صاحبش شش حق دارد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۵۳۸):

۱. کار و باری که فراتر از طاقت و تحمل اوست بر او بار نکند.
۲. هنگامی که بر پشت حیوان سوار است آن را به مجلس و محل گفت‌وگو تبدیل نکند.
۳. هنگامی که از آن پیاده شد به او علف بدهد. غذای او را بموقع بدهد.
۴. بر او داغ نزنند (در گذشته برای علامت‌گذاری، روی بدن حیوان با شیء داغی علامت مشخصی می‌گذاشتند).
۵. به‌صورت او ضربه نزنند؛ زیرا حیوان تسبیح خدا را به‌جا می‌آورد.

۶ هنگامی که از کنار آب عبور می‌کند، اجازه دهد حیوان آب بنوشد.

یکی از حقوق دیگری که برشمرده‌اند پرهیز از دشنام دادن به حیوان است: «وَأَلَيْشْتُمْهَا» (طوسی، ۱۳۶۴، ص ۲۱۱۲).

روایات بیش از این است و ذکر همه آنها از عهده این مقاله بیرون است. تنها به فراخور موضوع و برای روشن شدن نسبت رفتاری انسان با حیوانات و آشکارتر شدن جایگاه اخلاقی حیوانات، به تعدادی از روایات اشاره شد. روایات به‌وضوح بر شأن اخلاقی حیوانات از نظر اسلام دلالت می‌کنند و دقت‌های عالی دین مبین اسلام نسبت به این موجودات را نشان می‌دهند.

پنج. گیاهان

روایات اسلامی درباره گیاهان به دو دسته کلی تقسیم می‌شود: دسته نخست گویای اهمیت گیاهان است و در آنها بر کشاورزی، درختکاری و آبیاری گیاهان تأکید شده است. دسته دوم روایاتی است که به‌طور ویژه از آسیب رساندن به گیاهان نهی کرده است (فتحعلی، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۱۹۷).

از روایات دسته نخست - برای نمونه - می‌توان به روایت ذیل اشاره کرد: در باب آبیاری و رسیدگی به درختان امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ سَقَى طَلْحَةً أَوْ سِدْرَةً فَكَأَنَّمَا سَقَى مُؤْمِنًا مِنْ ظَمِيمٍ» (مجلسی، ۱۳۹۲، ج ۹، ص ۲۱۲)؛ هر کس درخت طلح و سدر را آب دهد، مثل این است که مؤمنی را از تشنگی سیراب نموده است. روایات دیگری نیز وجود دارند که مجال اشاره به آنها در این نوشتار نیست (ر.ک: محدث نوری، ۱۳۶۸، ج ۱۳، ص ۴۶۰).

دسته دوم از روایات انسان‌ها را از قطع کردن، آتش زدن و از بین بردن درختان نهی می‌کند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: درختان (با ثمر) را قطع نکنید که در صورت قطع و نابودی آنها خداوند بر شما عذاب می‌فرستد: «لَأَنْقَطِعُوا الشَّجَرَ فَيَبْعَثَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ الْعَذَابَ صَبًّا» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۲۶۴).

روایات دیگری نیز از آتش زدن و یا در آب غرق کردن آنها نهی نموده‌اند، مگر در شرایط استثنایی (همان، ص ۲۹ و ۳۷). لازم به ذکر است که شرایط اضطراری در همه ادیان، احکام ویژه خود را دارد و این اختصاصی به اسلام یا مسیحیت یا سایر ادیان ندارد.

شش. آب، هوا و زمین

آب منشأ حیات آدمی و زمین گهواره‌ای است که بر روی آن آرامش می‌یابیم و هوا عنصری حیات‌بخش و ضروری که در زندگی آدمی نقش بی‌بدیلی دارد. این سه در کنار هم همه مایحتاج آدمی را تأمین می‌کنند و نیاز مشترک همه انسان‌ها و حیوانات هستند. در روایتی پیامبر صلی الله علیه و آله سه عنصر آب، چراگاه (زمین) و آتش را مشترک در میان همگان و حق همگانی دانسته‌اند و اهمیت آلوده ساختن و صرفه‌جویی در مصرف را یادآوری نموده‌اند (محدث نوری، ۱۳۶۸، ج ۱۷، ص ۱۱۴).

در روایتی امام صادق علیه السلام مسلمانان را، حتی از آلوده کردن آب دشمن نیز برحذر داشتند: «وَأَتَّقُوا عَلَى الْقَوْمِ مَاءَهُمْ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۶۵). در روایت دیگری از امیرمؤمنان علیه السلام نقل شده است که فرمودند: «اتَّقُوا اللَّهَ فِي عِبَادِهِ وَبِلَادِهِ، فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّىٰ عَنِ الْبِقَاعِ وَ الْبِهَائِمِ. أَطِيعُوا اللَّهَ وَ لَا تَعْصُوا» (نهج البلاغه، ۱۳۹۱، خطبه ۱۶۷)؛ از خدا بترسید و تقوا پیشه کنید؛ زیرا شما در پیشگاه خداوند، مسئول بندگان خدا، شهرها، خانه‌ها و حیوانات هستید. خدا را اطاعت کنید و از فرمان خدا سر باز نزنید.

بنابراین انسان در قبال محیط‌زیست و اجزای آن مسئولیت اخلاقی دارد؛ زیرا محیط‌زیست و اجزای آن دارای شأن و جایگاه اخلاقی است و نمی‌توان این جایگاه را در تعامل با آنها نادیده انگاشت.

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه گذشت، می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که در زمینه شأن اخلاقی محیط‌زیست، بین اسلام و مسیحیت اشتراکات زیادی وجود دارد که اولین آنها فقدان شأن اخلاقی مستقل برای محیط‌زیست است؛ زیرا حد نصاب لازم از معیارهای ارزشمندی و شأن اخلاقی مستقل در این دو دین برای محیط‌زیست قابل اثبات نیست. دومین اشتراک در تکیه بر مقام جانشینی انسان روی زمین و لزوم امانتداری اوست. سومین نقطه مشترک که در پی اشتراک دوم می‌آید، مسئولیت اخلاقی انسان نسبت به محیط‌زیست است که دو نقطه اشتراک اخیر اثبات کننده شأن اخلاقی غیرمستقل برای محیط‌زیست است. با وجود این، هنگامی که به متون مقدس مراجعه می‌کنیم، درمی‌یابیم که نگاه اسلام از جامعیت و شفافیت ویژه‌ای برخوردار است که اثبات شأن اخلاقی غیرمستقل را آسان می‌سازد. اما در نگاه مسیحیت شأن اخلاقی غیرمستقل برای محیط‌زیست به صورت جامع به دست نمی‌آید. البته همین مقدار هم برای رد اتهامی که به اسلام و مسیحیت به سبب انسان‌محوری موجود در متون مقدس آنها وارد آمده است، کفایت می‌کند.

منابع

- نهج البلاغه، ۱۳۹۱، ترجمه محمد دشتی، چ پنجاه و ششم، قم، امیرالمؤمنین (ع).
- کتاب مقدس، ۲۰۰۵، انگلستان، انتشارات ایلام
- احمدی، مهدی، ۱۳۹۹، *شأن اخلاقی محیط زیست از نگاه اسلام و مسیحیت*، پایان نامه کارشناسی ارشد، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).
- پاکپور، علی، ۱۳۹۱، «شأن اخلاقی در آثار آیت الله جوادی آملی»، *حکمت اسرا*، سال پنجم، ش ۱، ص ۲۰۳-۲۲۰.
- جوادی، محسن، ۱۳۸۷، «انسان محوری در قلمرو اخلاق زیست محیطی با تأکید بر نگرش اسلامی»، *مقالات و بررسی ها*، ش ۱۰۰، ص ۴۷-۶۶.
- حرعاملی، محمد بن حسن، ۱۳۸۹، *وسائل الشیعه*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- دژاردن، جوزف آر، ۱۳۹۶، *اخلاق محیط زیست در آمدی بر فلسفه محیط زیست*، ترجمه مهدی کلاهی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات.
- دوبل، پاتریک، ۱۳۸۴، «طرز تلقی مبتنی بر خلافت یهودی - مسیحی نسبت به طبیعت»، ترجمه مصطفی ملکیان، در: *اخلاق زیست محیطی*، لوئی پ. پویمان، تهران، توسعه.
- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۳۹، *لغت نامه دهخدا*، زیر نظر محمد معین، تهران، دانشگاه تهران.
- سینگر، پیتر، ۱۳۸۶، «اخلاق محیط زیست»، ترجمه علیرضا آل بویه، *نقد و نظر*، ش ۴۵، ص ۱۴۱-۱۶۹.
- طوسی، محمدبن حسن، ۱۳۶۴، *تهذیب الاحکام*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- عادلی مقدم، محمد، ۱۳۹۷، «حقوق حیوانات در قرآن و روایات و کتاب مقدس»، در: *مجموعه مقالات اولین همایش مطالعات تطبیقی اسلام و مسیحیت با موضوع اخلاق و معنویت*، قم، بوستان کتاب.
- عمید، حسن، ۱۳۸۰، *فرهنگ فارسی عمید*، تصحیح اعظم کریمی، چ بیست و یکم، تهران، امیرکبیر.
- فاضل هندی، محمدبن حسن، ۱۲۷۱ق، *کشف لئام الایهام فی شرح قواعد احکام*، تصحیح حسن موسوی خوانساری، بی جا، بی نا.
- فتحعلی، محمود، ۱۳۹۵، «چرا چوب اخلاق زیست محیطی اسلام از نگاه استاد مصباح یزدی»، در: *رهیافت ها و رهاوردها*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).
- فرانکن، ویلیام. کی، ۱۳۸۰، *فلسفه اخلاق*، ترجمه انشاءالله رحمتی، تهران، حکمت.
- کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۰۷ق، *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۳۹۲، *بحار الانوار*، ترجمه گروه مترجمان، تهران، کتاب نشر.
- محدث نوری، میرزا حسین، ۱۳۶۸، *مستدرک الوسائل*، قم، مؤسسه آل البیت (ع).
- محقق داماد، سیدمصطفی، ۱۳۹۳، *الهیات محیط زیست*، تهران، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
- مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۹۳، *فلسفه اخلاق*، تحقیق احمدحسین شریفی، چ دوم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).
- مطهری، مرتضی، ۱۳۷۴، *فلسفه اخلاق*، چ چهاردهم، تهران، صدرا.
- معلمی، حسن، ۱۳۸۴، *فلسفه اخلاق*، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی.
- معین، محمد، ۱۳۸۷، *فرهنگ فارسی معین*، تهران، فرهنگ نما.
- موسوی خمینی، سیدروح الله، ۱۳۹۲، *تحریر الوسیله*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ع).
- واحدی نیشابوری، علی بن احمد، ۱۴۱۹ق، *اسباب النزول القرآن*، تحقیق کمال بسپونی زغلول، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- وایت، لین، ۱۳۸۴، «ریشه های تاریخی بحران بوم شناختی ما»، ترجمه مصطفی ملکیان، در: *اخلاق زیست محیطی*، لوئی پ. پویمان، تهران، توسعه.